

بررسی عوامل مدیریتی و سازمانی مؤثر بر فساد اداری-مالی در سازمان‌های دولتی مراکز استان‌های اصفهان و زنجان

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۱۵

حسین عظیمی *

علی عطا فر **

علی شامی برزکی ***

چکیده

این پژوهش را که برگرفته از نتایج رساله دکتری تحت همین عنوان می‌باشد، با هدف بررسی عوامل مدیریتی و سازمانی مؤثر بر فساد اداری-مالی در سازمان‌های دولتی، اجرا کرده‌ایم. روش پژوهش، هم‌بستگی از نوع پیمایشی است و اعتبار پرسش‌نامه محقق‌ساخته با آلفای کرونباخ ۰/۹۷۹۴ و روایی پرسش‌نامه از طریق روایی محتوا و آزمون تحلیل عاملی تأیید شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، از نوع نمونه‌برداری هدفمند است و پرسش‌نامه‌ها را بین ۹۳۴ نفر از نمونه‌های آماری، مشتمل بر مدیران و کارشناسان ذی‌ربط فساد اداری-مالی در سازمان‌های دولتی مراکز استان‌های اصفهان و زنجان، توزیع کرده‌ایم. با توجه به هدف اصلی پژوهش، برای بررسی میزان تأثیر عوامل مدیریتی و سازمانی بر فساد اداری-مالی در سازمان‌های دولتی و روابط علی بین متغیرها، از نرم‌افزار AMOS استفاده کرده‌ایم. نتایج نشان داد که در سازمان‌های دولتی، از بین ۱۴ عامل سازمانی مؤثر بر فساد اداری-مالی، این ۹ عامل، تعیین‌کننده‌اند: نظام پرداخت، بستر کنترل و نظارت، ارتباطات، جرائم و قوانین فساد، گروه‌های غیررسمی، شفافیت، اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی، قوانین و مقررات اداری و عوامل روانی و ۳ عامل تعیین‌کننده از بین ۵ عامل مدیریتی مؤثر بر فساد اداری-مالی، شامل ضعف مدیران در رهبری و هدایت، ضعف مدیران در نظارت و کنترل و ضعف مدیران در بسیج منابع و امکانات، است.

واژگان کلیدی

فساد اداری-مالی، سازمان‌های دولتی، عوامل مدیریتی و سازمانی

۱. بیان مسئله

فساد اداری مالی، انجام دادن اعمال اداری توسط مأموران دولتی به شکل ناقص و غیرصادقانه می باشد (کمیسیون مستقل ضد فساد، ۱۹۹۸)^۱. سازمان شفافیت بین‌المللی (۲۰۰۳)، فساد اداری مالی را سوءاستفاده از قدرت و نیروهای دولتی و عمومی در جهت منافع شخصی تعریف می کند. سوءاستفاده شامل به کار بردن استانداردهای غیراخلاقی و غیرقانونی می باشد. برخی محققان، فساد اداری-مالی را از نظر رفتاری، سوءاستفاده از نیروهای عمومی برای منافع شخصی تعریف می کنند (Park, 2003; VanKlaveren, 1989; Heidenheimer, 2002)؛ در حالی که تحلیلگران اندکی، ممکن است بر سر تعریف فساد اداری-مالی، در معنی سوءاستفاده از نقش‌ها و منابع عمومی برای منافع شخصی، بحث داشته باشند، بر سر دلایل فساد اداری-مالی، توافق اندکی وجود دارد (Robinson, 2004). به عبارت دیگر، دیدگاه‌های صاحب نظران درباره دلایل و عوامل مؤثر بر فساد اداری-مالی، یکسان نیست و نظریات متعددی در این خصوص وجود دارد (Tsegaye, 2003). یکی از دلایل این تعدد، چندبعدی نگریستن هر کدام از نظریه پردازان به مقوله فساد از لحاظ مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی، مدیریتی و روان‌شناسی می باشد (Amundsen, 2000; Andving & Fjeldstad, 2001; Williams, 2000). با این حال، از میان همه این دلایل و عوامل، ابعاد مشترک زیر از فساد اداری مالی فهمیده می شود:

- ۱- مبادله: فساد اداری مالی بر مبنای تعامل بین حداقل دو طرف (شریک) است (Ashforth & Anand, 2003; Heidenheimer, 2002). بین عرضه کننده‌ای فاسد و دریافت کننده‌ای با فساد مواجه شده شخصی که آغازکننده مبادله فساد است و شخصی که آن را می پذیرد (Van Duyne, 2001). این مبادله سود و پاداش است که به صورت داوطلبانه رخ می دهد و با توافق دوطرفه انجام می شود (Park, 2003).
- ۲- نقض (تخطی از) هنجارها: فساد اداری مالی رفتاری غیراخلاقی است (Brasz, 1967; Van Duyne, 2001) که شامل انحراف از هنجارهای قانونی (Khan, 1996; Nye, 1967) یا انحراف از ارزش‌های اخلاقی است (Brasz, 1970).
- ۳- سوءاستفاده از قدرت: کسانی که کارهای فاسد انجام می دهند، قدرت، اختیار،

موقعیت یا دانشی را که به آن‌ها سپرده شده، برای منافع و مزیت شخصی خود به کار می‌گیرند (Ashforth & Anand, 2003; Huntington, 1989; Khan, 1996; Nye, 1967; Pitt & Abratt, 1986; Tanzi, 1995; Treisman, 2000; Van Duynes, 2001).

۴- پنهان‌کاری: انجام‌دهندگان کارهای فاسد، اجتماعی مخفی و صمیمی و نزدیک را تشکیل می‌دهند که برآن‌اساس، به صورت مخفی، بر اهداف غیرقانونی و سودهای روابط مبادله‌ای خود، توافق دارند. ضمن این‌که، علاوه بر محدودیت‌های موقعیتی، احتمال ادامه‌دادن و توسعه کارهای فاسد، به اعتماد طرفین بستگی دارد (Van Duynes, 2001).

بنابراین در رابطه مفسدانه، حداقل ۴ بعد وجود دارد که مشتمل است بر: ۱- مبادله؛ ۲- نقض (تخطی از) هنجارها؛ ۳- سوءاستفاده از قدرت؛ ۴- پنهان‌کاری که از این طریق، به سازمان‌ها و کشورها، آسیب‌های بسیاری وارد می‌کنند. نظام اداری در ایران نیز، همانند سایر کشورها، از فساد اداری مالی و آسیب‌های آن مصون نبوده و به دلایل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، موجب عقب‌ماندگی کشور و بروز دغدغه‌ها و نگرانی‌های متعدد در رأس نظام شده است (دانایی فرد، ۱۳۸۵). علاوه بر این‌که دغدغه‌ها و نگرانی‌ها درباره آثار سوء فساد اداری مالی بر مشروعیت نظام جمهوری اسلامی در سطح کلان وجود دارد، متوجه آثار و پیامدهای فساد در سطح سازمان‌های دولتی نیز بوده و پژوهش‌های متعددی را با خود به همراه داشته است. با این حال، اغلب پژوهش‌ها در این حوزه و حتی نوع نگاه سازمان بین‌المللی شفافیت به این مقوله، به صورت کلان و با در نظر داشتن عوامل فراسازمانی از قبیل عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه بوده و در ریشه‌یابی موضوع در سازمان‌های دولتی، عوامل سازمانی و مدیریتی مؤثر در بروز فساد اداری مالی لحاظ نشده‌اند یا در حاشیه بوده‌اند؛ مانند مطالعات فرهادی‌نژاد (۱۳۸۲)، فرخ‌سرشت (۱۳۸۳)، سامتی (۱۳۸۵)، دانایی فرد (۱۳۸۵)، خضری (۱۳۸۶)، فانی و علیزاده‌ثانی (۱۳۸۶)، رفیع‌پور (۱۳۸۶)، Brown (2005)، سازمان بین‌المللی شفافیت (۲۰۰۳)، Fokuoh (2008) و Mevliyar (2008). همچنین مطالعات فرخ‌سرشت (۱۳۸۳)، محمودی (۱۳۸۴)، شفیع‌خورشیدی (۱۳۸۵)، دانایی فرد (۱۳۸۵)، قلی‌پور و نیک‌رفتار (۱۳۸۶)، حسینی و مهدی‌زاده‌اشرفی (۱۳۸۶)، دادگر و نظری (۱۳۸۸)، Amundsen (2000)، Yaser (2005)، Seldadyo & Haan (2006).

Seleim (2009) و Alatas & Cameron (2009), Scanlan (2008), Kimuyu (2007) بخش‌هایی از عوامل سازمانی مؤثر بر فساد اداری مالی را بررسی کرده‌اند. لذا، در این زمینه، خلأ پژوهش‌های مدیریتی با رویکرد عوامل سازمانی و مدیریتی کاملاً محسوس است. به عبارت دیگر، مدیران سازمان‌ها ابزارهای علمی لازم را، برای شناسایی و آسیب‌شناسی عوامل سازمانی و مدیریتی مؤثر در بروز فساد اداری مالی و شیوه‌های مواجهه با این پدیده، به دلیل کمبود مطالعات فراگیر در این زمینه، در دست ندارند. در این پژوهش، پژوهشگران، بر اساس آنچه از ادبیات و مبانی نظری و مطالعات پژوهش‌های مختلف استناد کردند و از طریق ابزارهای سنجش اعتبار و روایی بررسی کردند، نشان داده‌اند که عوامل سازمانی و مدیریتی متعددی در بروز فساد اداری مالی تأثیر دارد که هفت عامل از عوامل اصلی و زیرمجموعه‌های آن‌ها عبارت است از: ۱- عوامل ساختاری (تشکیلات اداری، قوانین، سیستم‌ها و روش‌ها)؛ ۲- فرهنگ سازمانی؛ ۳- ارتباطات (ویژگی روابط، گروه‌های غیررسمی)؛ ۴- عوامل روانی؛ ۵- نظام پرداخت؛ ۶- سیستم نظارت و کنترل (بستر کنترل و نظارت، تشکیلات نظارت و کنترل)؛ ۷- وظایف مدیریتی (برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، رهبری و هدایت، نظارت و کنترل). در این پژوهش، محققان به دنبال یافتن پاسخی برای این مسائل بوده‌اند که علاوه بر عوامل فردی و عوامل فراسازمانی، کدام‌یک از عوامل مدیریتی و سازمانی در بروز فساد در سازمان‌های دولتی مؤثرند؟ آیا بین هر کدام از عوامل مؤثر بر فساد اداری-مالی، تعامل خاصی وجود دارد؟ می‌توان الگوی خاصی برای عوامل سازمانی و مدیریتی مؤثر در بروز فساد ترسیم کرد؟

۲. چارچوب نظری پژوهش

از نظر اندیشمندان، عوامل متعددی در بروز فساد اداری مالی تأثیر دارند که از آن جمله، می‌توان به دسته‌بندی زیر اشاره کرد (Kuhlmann, 2008):

- ۱- ویژگی‌های فردی؛ مانند سن، جنسیت، ملیت، نژاد، مهارت، تحصیلات، پیشینه اجتماعی و مقام؛
- ۲- مشخصه‌های سیستم سازمان؛ مانند استراتژی، سبک رهبری، فرهنگ سازمانی،

سیستم‌های جبران، توسعه پرسنل و افق‌های شغلی؛

۳- محیط در سطح کلان؛ مانند عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور.

در بحث نظری، این عوامل در سه عامل پرسنل، سازمان و محیط خلاصه می‌شوند. به‌طور خلاصه، این عوامل برای توضیح و تبیین ظهور و گسترش رفتار فاسد در سازمان‌ها منطقی به نظر می‌آید. بنابراین، باید به آن‌ها بیشتر دقت کرد. با توجه به سه عامل اصلی فوق، سه جنبه اصلی را می‌توان تشخیص داد:

اول: رابطه بین اشخاص، گروه‌ها و سازمان، به نظر می‌رسد که از اهمیت فراوانی برای مفاهیم نظری مرتبط با فساد اداری مالی در سازمان‌ها برخوردار است. از جهت نظری، این مفاهیم به دلیل وابستگی متقابل بین اجزای کار و اجزای ساختاری است. بنابراین، رویکردها باید به فساد اداری مالی در سطح سازمانی، گروهی و فردی توجه کند و وابستگی بین این سطوح را تحلیل کند.

دوم: سازمان‌ها بر فعالیت فاسد تأثیر می‌گذارند. برای نمونه، ممکن است اشخاص یا گروه‌هایی که در مواقع دیگر اخلاق دارند، در موقعیت‌های خاصی در رفتار فاسد حل شوند. اگر فعالیت شخص یا رفتار گروه به عناصری از ساختار سازمانی وابسته باشد، واضح است که مشخصه‌هایی مانند قوانین، سبک یا اصول رهبری، ساختار موقعیت‌ها، سلسله مراتب و مانند آن اهمیت می‌یابد؛ اما مهم‌تر از این، به نظر می‌رسد، نگاهی به فرآیندهای ساختاری که اعمال فاسد را ایجاد می‌کند، آموزنده باشد در بیان اینکه چرا فساد اداری مالی اغلب در مدت زمانی طولانی ماندگار است.

سوم: اگر «رفتار نادرست»^۲ متضاد رفتار درست در سازمان‌ها فرض شود، در این صورت به هنجاری نیاز است برای کشیدن خطی بین رفتار پذیرفته شده و رفتاری که نمی‌توان آن را تحمل کرد. در نهایت، بحث درباره فساد اداری- مالی، شامل بیان معیار واضحی برای تعیین «رفتار نادرست» و «درست» نیز می‌شود. بنابراین، هنجارهای قانونی و سیستم قانونی نقش مهمی در تحلیل فساد اداری مالی دارند. دیدگاه‌ها و رویکردهای نظری دیگری نیز درباره فساد اداری مالی وجود دارد که برای نمونه می‌توان به دیدگاه‌های زیر اشاره کرد:

- ۱- رویکردهای مطرح شده دربارهٔ فساد اداری مالی از قبیل رویکرد هزینه‌فایده، رویکرد محرومیت نسبی، رویکرد رانت‌جویی و رویکرد حامی‌پیرو.
- ۲- نظریه‌های مختلف دربارهٔ فساد اداری مالی از قبیل تئوری نهادی‌سازی، تئوری نرمال‌سازی فساد در سازمان‌ها، تئوری توجیه‌پذیری و تئوری رفتار طراحی شده.
- ۳- مدل‌های مختلف از قبیل مدل تخصیص منابع، مدل کشف فساد، مدل جنبه‌های شناختی و ارادی شخص فاسد در اقدام به عمل فاسدانه و مدل مبتنی بر اخلاق سازمانی.
- ۴- دیدگاه‌های مختلف از قبیل دیدگاه اخلاق‌گرایان، دیدگاه‌های موجود در زمینهٔ رفتار اخلاقی (دیدگاه سودباوری، فردباوری، حقوق اخلاقی، عدالت)، وجدان‌کاری، دیدگاه کارکردگرایان، دیدگاه آسیب‌شناسی اجتماعی، دیدگاه تضاد ارزشی و دیدگاه کارکردی فرهنگ.

بر اساس یکی از این نظریات، در نظریهٔ نهادی‌سازی، اعمال فاسدانه بخشی از ساختار سازمانی می‌شوند و به فساد اداری مالی مشروعیت داده می‌شود (Tsegaye, 2003). یا طبق رویکرد هزینه‌فایده، ارتکاب فساد اداری مالی، مانند بسیاری از اعمال انسان، ریشهٔ عقلایی دارد؛ یعنی هنگامی فرد مرتکب فساد اداری مالی می‌شود که از دیدگاه او، منافع مورد انتظار از هزینه‌های اقدام مدنظر، بیشتر باشد. در این راستا، فساد اداری مالی را جرم می‌دانند. از این دیدگاه، ارتکاب فساد برای مجرم، هزینه‌ها و منافع را دربردارد که مجرم هزینه‌های احتمالی را که خطر کشف جرم و مجازات است، قبل از اقدام محاسبه می‌کند. عوامل فردی، سازمانی و فراسازمانی متعددی در محاسبات فرضی و عقلایی فرد خاطی تأثیرگذار است و زمینه را برای سوق وی به سمت ارتکاب به فساد اداری مالی فراهم می‌کند. برای دستیابی به چارچوب مناسب برای این پژوهش، علاوه بر گردآوری ادبیات موضوعی و مبانی نظری جامع و بررسی مفهومی آن‌ها، پژوهش‌ها و مطالعات در زمینهٔ موضوع پژوهش را نیز گردآوری کردیم. در این راستا، دسته‌بندی‌ها و تحلیل‌های متعددی را بررسی کردیم تا در نهایت، با تلفیق آن‌ها و بومی‌سازی متغیرها و گویه‌های موضوع بحث، چارچوب نظری و ابزار علمی مناسب را برای این پژوهش به دست آوردیم. برای رعایت تلخیص در این مقاله، به تعدادی از پژوهش‌ها اشاره می‌کنیم. برای نمونه، (Seldadyo & Haan, 2006)، ۷۰ نمونه

از پژوهش‌های درباره فساد اداری مالی را بررسی کردند و برخی عوامل مدیریتی و سازمانی را در بروز فساد اداری مالی مؤثر می‌دانند که عبارت‌اند از: سطح دستمزدها، نابرابری درآمدها، اختلاف در قدرت، ساختار سازمانی، عوامل کنترلی و نظارتی، بوروکراسی بیش‌ازحد، مقررات پیچیده و زائد و میزان مسئولیت کارکنان. Fokuoh (2008) نیز دامنه‌ای از مقالات چاپ‌شده، طی سال‌های ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۵، را بررسی کرد و نشان داد که هرچه تبعیض‌ها، شکاف‌ها و فاصله بین کارکنان و مدیران افزایش می‌یابد، فساد در سازمان نیز افزایش می‌یابد. وی با توجه به نتایج پژوهش‌های مختلف، نشان داد که مهم‌ترین عامل بروز فساد اداری- مالی، حقوق و دستمزد و در مجموع، عامل اقتصادی بوده است؛ زیرا دستمزدهای کم، عاملی برای ترغیب فرد برای جبران کمبودها می‌باشد. ضمن اینکه، قدرت‌های مازاد، اعتماد بیش‌ازحد و سیستم کنترل نامناسب، از دیگر عوامل مؤثر در بروز فساد اداری مالی می‌باشند.

بررسی مطالعات و پژوهش‌های حوزه فساد اداری مالی، نشان داد که هرکدام از پژوهشگران، به دلیل رعایت تحدید مصادیق، از زاویه‌ای خاص به این موضوع پرداخته‌اند؛ لذا برای جامعیت این پژوهش، پژوهش‌هایی را مدنظر قرار دادیم که بر مبنای جمع‌بندی کلی از ادبیات و مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های انجام شده بود و ابزار نهایی را منطبق بر هفت عامل اصلی بحث‌شده در بخش بیان مسئله، شناسایی کردیم و پس از آزمون اعتبار و روایی، از آن استفاده کردیم.

۳. سؤال پژوهش

با توجه به آنچه در «بیان مسئله» و هدف اصلی آن گفتیم، سؤال پژوهش آن است که:

* عوامل سازمانی و مدیریتی مؤثر بر فساد اداری مالی در سازمان‌های دولتی

کدام‌اند؟

* از نظر اثرگذاری بر فساد اداری مالی در سازمان‌های دولتی شهرهای اصفهان و

زنجان، عوامل سازمانی و مدیریتی از چه الگویی تبعیت می‌کنند؟

۴. روش پژوهش

۴-۱. نوع و روش تحقیق

این پژوهش از نوع توسعه‌ای است که از روش تحقیق همبستگی از نوع پیمایشی استفاده کرده است.

۴-۲. جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش، شامل همه مدیران، معاونان و افراد صاحب‌نظر در سازمان‌های دولتی شهرهای اصفهان و زنجان است. هدف از انتخاب این دو شهر، مقایسه نتایج حاصل از بررسی کلان‌شهری با شهری متوسط، در سازمان‌های دولتی مشابه بود. ضمن اینکه با توجه به مشخص نبودن حدود و مقدار دقیق عناصر بررسی‌شده، جامعه آماری را نامحدود تلقی کردیم.

۴-۳. روش نمونه‌گیری و تعداد حجم نمونه

روش نمونه‌گیری در این پژوهش، بر مبنای روش نمونه‌گیری هدفمند^۳ می‌باشد. با توجه به نامعلوم بودن انحراف استاندارد جامعه (S)، باید با گزینش تعدادی نمونه آماری، انحراف استاندارد نمونه (s) را برآورد می‌کردیم. به این دلیل، برای تعیین حجم نمونه، ابتدا نمونه‌ای ۴۰ نفره را برگزیدیم و بر اساس آزمون آلفای کرونباخ، ضمن به دست آوردن میزان آلفا (برابر با ۰/۹۷۹۴) که نشان‌دهنده پایایی و اعتمادپذیری فراوان پرسش‌نامه مقدماتی بود، واریانس یا مجذور انحراف استاندارد نمونه (s^2) (برابر با ۰/۵۷۵۶) را به دست آوردیم. نتایج آزمون آلفای کرونباخ، درباره پرسش‌نامه مقدماتی، به این شرح است:

```
***** Method 2 (covariance matrix) will be used for this analysis *****
RELIABILITY ANALYSIS - SCALE (ALPHA)
N of Cases = 40.0
Item Variances Mean Minimum Maximum Range Max/Min Variance
1.1083 .7154 1.4846 .7692 2.0753 .5756
Reliability Coefficients 58 items
Alpha = .9794 Standardized item alpha = .9792
```


با جایگزینی میزان واریانس نمونه (s^2) در فرمول کوکران و با فرض اشتباه قابل قبول (d) برابر با ۰/۰۵ و سطح اطمینان ۹۵ درصد، که بر اساس آن ضریب اطمینان ($Z_{\alpha/2}$)، برابر با ۱/۹۶ می‌باشد، میزان حجم نمونه را برابر با ۸۸۴ نفر به دست آوردیم. فرمول کوکران و نحوه محاسبات آن به صورت زیر است:

$$n = \frac{(z_{\alpha/2})^2 \cdot s^2}{d^2} = \frac{(1.96)^2 * .5756}{(.05)^2} = 884$$

در این پژوهش، در مجموع، به ۱۱۰ سازمان دولتی در دو استان اصفهان و زنجان مراجعه کردیم (در هر استان ۵۵ سازمان) که در کل، ۹۲ سازمان دولتی با این طرح همکاری کردند (۵۰ سازمان در استان زنجان و ۴۲ سازمان در استان اصفهان؛ البته از نظر نوع سازمان، از همه ۵۵ نوع سازمان، پرسش‌نامه‌ها را جمع‌آوری کردیم). در مجموع، ۱۰۱۰ پرسش‌نامه جمع‌آوری کردیم. ۷۶ پرسش‌نامه را، به دلیل بی‌دقتی و رعایت نکردن شیوه درست در نحوه تکمیل، کنار گذاشتیم و ۹۳۴ پرسش‌نامه تأیید شده، برای استفاده در تحلیل‌ها باقی ماند. با توجه به اینکه در این پژوهش، ۸۸۴ نمونه آماری داریم، به ۸۸۴ پرسش‌نامه نیز نیاز داریم. بنابراین، ۵۰ پرسش‌نامه بیشتر داریم. از ۹۳۴ پرسش‌نامه تأیید شده، ۴۹۵ پرسش‌نامه مربوط به سازمان‌های دولتی شهر زنجان و ۴۳۹ پرسش‌نامه مربوط به سازمان‌های دولتی شهر اصفهان است.

نمونه‌های آماری این پژوهش را در دو سطح مدیریتی و کارشناسی تقسیم کردیم؛ به گونه‌ای که مدیران و معاونان و رؤسای دوایر را در سطح مدیریتی قرار دادیم و سایر افراد صاحب نظر را، از قبیل کارشناسان تخلفات اداری و رسیدگی به شکایات، دبیران و بازرسان طرح تکریم و تحول اداری، کارشناسان حراست و همچنین استادان دانشگاه، در سطح کارشناسی جای دادیم. در مجموع، از ۹۳۴ نفری که پرسش‌نامه‌های آن‌ها را برای بررسی در این طرح تأیید کردیم، ۲۵۹ نفر (۲۷/۷ درصد) را در سطح مدیریتی و ۶۰۴ نفر (۶۴/۷ درصد) را در سطح کارشناسی قرار دادیم و ۷۱ نفر (۷/۶ درصد) نیز در سطح مشخصی جای نمی‌گرفتند.

۵. ابزار گردآوری داده‌ها و پایایی و روایی ابزار

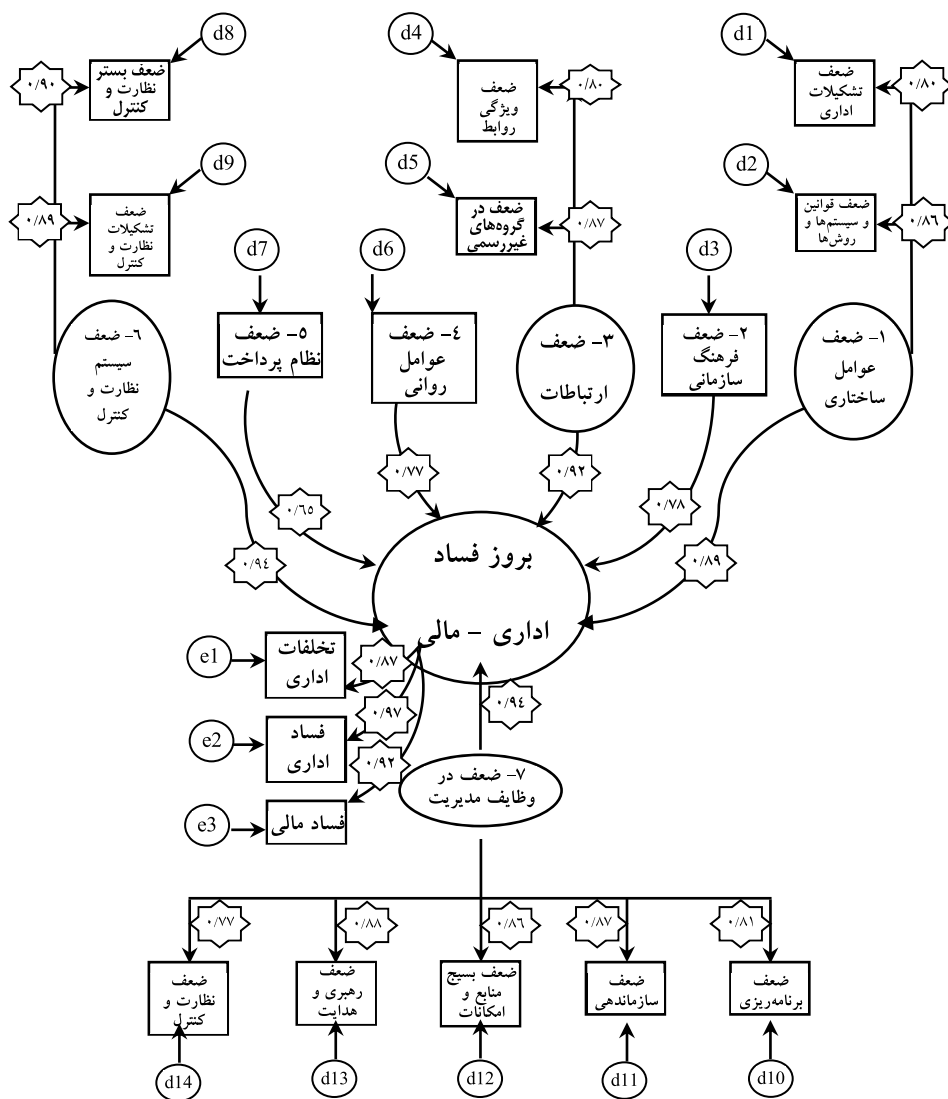
منابع کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه مبتنی بر بررسی «فساد ادراک شده»،^۴ دو ابزار عمده‌ای است که در این پژوهش از آن‌ها، برای گردآوری داده‌ها، استفاده کردیم. در این راستا، برای محاسبه ضریب پایایی پرسشنامه مقدماتی و نهایی، از طریق نرم‌افزار SPSS، آزمون آلفای کرونباخ را انجام دادیم. در مطالعه مقدماتی، نتیجه این آزمون برابر با ۰/۹۷۹۴ بود که نشان‌دهنده پایایی و اعتمادپذیری فراوان پرسش‌نامه مقدماتی است. ضمن اینکه، پس از اصلاح پرسش‌نامه مقدماتی و توزیع پرسش‌نامه‌های نهایی نیز پایایی ابزار را سنجیدیم و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۸۱۱ به دست آمد.

برای سنجش روایی پرسش‌نامه مربوط به عوامل مؤثر بر فساد اداری-مالی، ابتدا از آزمون کیزر مایر و بارتلت استفاده کردیم. نتایج آزمون کیزر مایر ($KMO = 0.980 > 0.7$) = کفایت تعداد پرسش‌نامه‌ها را برای انجام دادن آزمون تحلیل عاملی، تأیید می‌کند. همچنین، آمار بارتلت ($BT=32230.529$)، مناسب بودن داده‌ها را برای تحلیل عاملی نشان می‌دهد. به گونه‌ای که سطح معناداری حاصل، مطلوب است ($Sig = 0.000$). بنابراین، تناسب داده‌ها، برای آزمون تحلیل عاملی، پذیرفتنی است. پس از انجام دادن آزمون تحلیل عاملی، عوامل زیرمجموعه هر کدام از عوامل اصلی (عوامل ساختاری، فرهنگ سازمانی، ارتباطات، عوامل روانی، نظام پرداخت، سیستم نظارت و کنترل، وظایف مدیریتی) با استفاده از روش برآورد مؤلفه‌های اصلی و بر اساس ماتریس همبستگی و روش دوران واری ماکس، ماتریس بارهای عاملی در حالت دوران یافته مرتب شد و هفت عامل فوق تأیید شد. به عبارت دیگر، با اجرای مراحل و آزمون‌های فوق، پاسخ سؤال اول را به دست آوردیم و عوامل اصلی و زیرمجموعه‌های مؤثر بر فساد اداری مالی را شناسایی کردیم.

۶. یافته‌ها و نتایج پژوهش

با توجه به شناسایی عوامل اصلی و زیرمجموعه‌های مؤثر بر فساد اداری مالی، بر اساس ادبیات و مبانی نظری پژوهش و نتایج مطالعات و پژوهش‌های انجام شده و سنجش اعتبار و روایی ابزار محقق ساخته، برای پاسخ به سؤال دوم و تعیین الگوی اثرگذاری

عوامل سازمانی و مدیریتی مؤثر بر فساد اداری مالی، از مدل معادلات ساختاری و نرم افزار AMOS استفاده کردیم. مدل معادلات ساختاری، رویکرد آماری جامعی است برای آزمودن فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده^۵ و متغیرهای مکنون^۶. با این رویکرد، می‌توان پذیرفتنی بودن مدل‌های نظری را، در جامعه‌های خاص، با استفاده از داده‌های همبستگی، آزمود. ویژگی اصلی نرم افزار AMOS، انجام دادن تحلیل عاملی و برازش مدل‌های تحلیل مسیر است. برای پاسخ به این سؤال که عوامل سازمانی و مدیریتی مؤثر بر بروز فساد اداری مالی در سازمان‌های دولتی شهرهای اصفهان و زنجان از چه الگویی تبعیت می‌کنند، از این نرم افزار استفاده می‌کنیم. در این مدل، فساد اداری مالی، متغیر وابسته است و ضعف عوامل سازمانی و مدیریتی، مشتمل بر هفت عامل اصلی و عوامل فرعی و گویه‌های زیرمجموعه این عوامل، متغیر مستقل. رابطه بین این عوامل (متغیرهای ساختاری) را به صورت تحلیل مسیر، بیان کردیم و نتایج آن را در نمودار ۱ درج کردیم.



نمودار ۱. الگوی اثرگذاری عوامل سازمانی و مدیریتی بر فساد اداری مالی در سازمان‌های دولتی شهرهای اصفهان و زنجان

اندازه‌های نسبی ضرایب مسیر در نمودار تحلیل مسیر، بیان می‌کند که کدام یک از عوامل علی از پیش تعیین شده از طریق داده‌ها بهتر پشتیبانی می‌شود. همان‌طور که از نمودار ۱ مشخص است، در آزمون مدل تحقیق، الگوی عوامل سازمانی و مدیریتی مؤثر

بر فساد اداری مالی بیانگر آن است که از میان متغیرهای ساختاری در این پژوهش، متغیرهای ۱- ضعف در وظایف مدیریت، ۲- ضعف سیستم نظارت و کنترل ۳- ضعف ارتباطات؛ به ترتیب با ضریب ۰/۹۴۲، ۰/۹۳۸ و ۰/۹۱۸ بیشترین اثر را در مدل دارند. در این مدل، متغیرهای دیگر نیز، اثر درخور توجهی در فساد اداری مالی دارند. بنابراین، در این مدل، متغیرهای ساختاری از مدل نظری حمایت می‌کند. ضمن اینکه، شاخص برازش تطبیقی مدل با میزان $CFI = 0.945 > 0.9$ و شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد نیز با میزان $RMSEA = 0.23 < 0.05$ ، مدل فوق را پذیرفتنی نشان می‌دهد و بیانگر برازش خوب مدل است.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در این پژوهش بیشتر به آن توجه کردیم، شناسایی عوامل مدیریتی و سازمانی مؤثر بر فساد اداری مالی و تعیین الگوی اثرگذاری این عوامل در سازمان‌های دولتی شهرهای اصفهان و زنجان است. در این راستا، نتایج حاصل از نرم‌افزار AMOS و مدل معادلات ساختاری بر مبنای تحلیل مسیر، نشان داد که در سازمان‌های دولتی از بین ۱۴ عامل سازمانی مؤثر بر فساد اداری مالی، این ۹ عامل تعیین‌کننده‌اند: نظام پرداخت، بستر کنترل و نظارت، ارتباطات، جرائم و قوانین فساد، گروه‌های غیررسمی، شفافیت، اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی، قوانین و مقررات اداری و عوامل روانی و ۳ عامل تعیین‌کننده از بین ۵ عامل مدیریتی مؤثر بر فساد اداری مالی، شامل ضعف مدیران در رهبری و هدایت، ضعف مدیران در نظارت و کنترل و ضعف مدیران در بسیج منابع و امکانات است.

این نتایج نشان می‌دهد که در وهله اول، باید موضوع نظام پرداخت در سازمان‌ها از اهمیت به‌سزایی برخوردار باشد و تبعیض در پرداخت حقوق، توزیع فرصت‌های شغلی و ارتقای بین کارکنان، تشویق و تنبیه به کمترین میزان برسد. از این نظر، نتایج به‌دست‌آمده، با مطالعات پژوهشگرانی از قبیل (Scanlan (2008)، (Fokuoh (2008) و الوانی و جفره (۱۳۸۴) همخوانی دارد. همچنین، نحوه نظارت در سازمان‌های دولتی، از نظر فراهم کردن بستر کنترل و نظارت دقیق، مستمر و بهنگام، باید بازبینی شود؛ چراکه ضعف در این زمینه‌ها، با توجه به فعال نبودن سیستم نظارت عمومی (مردم، نهادهای

مدنی و رسانه‌ها) و متناسب نبودن شدت مجازات متخلفان با جرائم انجام شده و به موقع نبودن مجازات و قاطع نبودن در اجرای آن، زمینه عقلایی را برای ارتکاب فساد اداری مالی فراهم می‌کند. از این نظر، نتایج به دست آمده، با مطالعات پژوهشگرانی از قبیل (Amundsen (2000)، Seldadyo & Haan (2006)، قلی‌پور و نیک‌رفتار (۱۳۸۶) و دادگر و نظری (۱۳۸۸) همخوانی دارد.

موضوع مهم دیگر درباره نتایج این پژوهش، تأثیر قوانین و مقررات اداری در بروز فساد اداری مالی است. تعدد قوانین، پیچیدگی‌ها و ابهام‌های موجود در قوانین، وجود قوانین بد و نامناسب، سکوت یا ابهام قانون در تشخیص و اثبات برخی از مصادیق فساد، طولانی بودن فرایندها و روش‌های اجرای کار و آگاه نبودن ارباب رجوع از آن فرایندها، زمینه لازم برای بروز فساد اداری مالی را فراهم کرده است. این موضوع، به دلیل بهره‌مند نبودن نظام اداری از فناوری اطلاعات و اتوماسیون پیشرفته اداری و نامناسب بودن پایگاه‌های اطلاع‌رسانی (از نظر شفافیت، کامل بودن، سرعت و صحت) تشدید می‌شود و کارکنان را به سمت ارتکاب فساد سوق می‌دهد. از این نظر، نتایج به دست آمده با مطالعات پژوهشگرانی از قبیل Seldadyo & Haan (2006)، جوهری (۱۳۸۴)، الوانی و جفره (۱۳۸۴) و قلی‌پور و نیک‌رفتار (۱۳۸۶) حسینی و مهدی‌زاده اشرفی (۱۳۸۶) همخوانی دارد. البته، نباید از تأثیر ضعف مدیران در انجام دادن وظایف مدیریتی، به ویژه ضعف در بسیج منابع و امکانات، ضعف در رهبری و هدایت و ضعف در نظارت و کنترل، غافل بود.

۸. محدودیت‌های پژوهش

در این پژوهش، چندین محدودیت اساسی وجود داشت که عمدتاً، درباره کمبود منابع علمی، نحوه تنظیم و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها و استان‌های تحت پوشش برای توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها بود.

۱- اولین محدودیت پژوهش، کمبود طرح‌های پژوهشی کاملاً مرتبط و رقیب با این پژوهش بود. این کمبودها، الگوسازی و تدوین مدل مفهومی معتبر را دشوار کرد. به گونه‌ای که زمان زیادی از پژوهش، صرف جستجو و ترجمه متون خارجی شد.

۲- در اکثر مواقع، به دلیل حساسیت موضوع، مدیران و کارشناسان ذی ربط، حاضر به همکاری با محققان نبودند. در این خصوص، با پیگیری های متعدد، بهترین راه برای تکمیل پرسش نامه ها، گرفتن نامه از استانداری های اصفهان و زنجان و تأکید آن ها برای تکمیل اجباری (و نه اختیاری) پرسش نامه ها بود.

۳- به دلیل محدودیت زمانی و امکان ناپذیری پوشش همه استان ها، جمع آوری پرسش نامه ها فقط به مراکز استان های اصفهان و زنجان محدود شد که این امر، در تعمیم پذیری نتایج خلل وارد می کند؛ لذا استفاده از نتایج این پژوهش، در مراکز استان های اصفهان و زنجان امکان پذیر است.

۴- به دلیل استفاده از ادراک و دریافت های ذهنی، اندازه گیری ابعاد فساد اداری مالی در معرض انحرافات و تعصبات است؛ بنابراین، این پژوهش، شامل محدودیت های رایج در انواع پژوهش هایی است که از اطلاعات خودارزیابی کرده^۷ استفاده می کنند.

۹. پیشنهادها برای پژوهش های آتی

۱- با توجه به اینکه نمونه های آماری این پژوهش، همه سازمان های دولتی مستقر در مراکز استان های اصفهان و زنجان بودند، پیشنهاد می کنیم برای تعمیم پذیری نتایج به کل ایران، در سایر استان ها نیز این پژوهش اجرا شود و نتایج به دست آمده از سازمان های مشابه در استان های مختلف، با همدیگر مقایسه شود.

۲- با توجه به اینکه سؤال ها و متغیرهای بررسی شده در این پژوهش، برای همه سازمان های دولتی یکسان بود، برای بررسی دقیق تر در هر سازمان، به دلیل اقتضائات و ویژگی هایی که هر سازمان برای خود دارد، پیشنهاد می کنیم، مطالعات عمیق تر در هر سازمان، با در نظر گرفتن آن ویژگی ها و اقتضائات انجام شود و رابطه بین موانع و مشوق های مدیریتی و سازمانی مؤثر بر فساد اداری مالی، به تفکیک هر سازمان بررسی شود.

۳- پیشنهاد می کنیم، با توجه به نتایج به دست آمده از عوامل تعیین کننده و تأثیرگذار در بروز فساد اداری مالی، تلاش شود تا از این عوامل برای تعیین شاخص های عمومی و اختصاصی برای ارزیابی میزان فساد یا سلامت اداری در هر کدام از سازمان های دولتی (بنا بر اقتضائات آن سازمان ها) استفاده شود و برای بومی سازی شاخص های

درون‌سازمانی اقدام شود.

۴- همچنین برای بررسی فساد در سازمان‌های دولتی و خصوصی، پژوهش‌های کامل‌تری نیاز است.

یادداشت‌ها

1. Independent Commission Against Corruption
2. Acting Evil
3. Judgment
4. Perceived Corruption
5. Observed
6. Latent
7. Self-Estimated

کتابنامه

- لوانی، سیدمهدی؛ جفره، منوچهر (۱۳۸۴)، «ارائه یک الگوی نظری برای کنترل و مهار فساد اداری»، *اقتصاد و مدیریت*، شماره ۷۰.
- جوهری، محمد (۱۳۸۴)، «فساد اداری، علل و عوامل آن»، *تعاون*، شماره ۲۳.
- حسینی، مهدی؛ مهدی‌زاده‌اشرفی، علی (۱۳۸۶)، «عوامل مؤثر بر فساد اداری»، *فصلنامه مدیریت*، سال چهارم، شماره ۸.
- خضری، محمد (۱۳۸۶)، «نگاه نهادی به فساد اداری: شش رویکرد در شکل‌گیری زمینه‌های فساد»، *مطالعات راهبردی*، شماره ۲۹.
- دادگر، یدالله؛ نظری، روح‌الله (۱۳۸۸)، «بررسی شاخص فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده جهان»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۲۶۳ و ۲۶۴.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۵)، «کنترل فساد اداری: اصلاح مدیریت دولتی یا تدوین راهبرد ملی پیشگیری از فساد»، *مدیریت و توسعه*، شماره ۲۸.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۶)، *سرطان اجتماعی فساد*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سامتی، مرتضی و همکاران (۱۳۸۵)، «بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی: (مطالعه موردی با رویکرد Panel Data)»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال هشتم، شماره ۲۸.

شفیعی خورشیدی، علی اصغر (۱۳۸۵)، *فساد اقتصادی و روش های پیشگیری از آن*، تهران: مرکز مطالعات و توسعه قضایی.

فانی، علی اصغر؛ علیزاده ثانی، محسن (۱۳۸۶)، «تاثیر فساد اداری بر توسعه انسانی جوامع»، *اخلاق در علوم و فنون و فناوری*، سال دوم، شماره ۱ و ۲.

فرخ سرشت، بهزاد (۱۳۸۳)، «بررسی عوامل مؤثر در بروز فساد اداری مالی به منظور ارائه الگویی جهت کاهش اثرات آن در روند توسعه جمهوری اسلامی ایران»، *دانش مدیریت*، شماره ۶۶.

فرهادی نژاد، محسن (۱۳۸۲)، «بررسی تطبیقی فساد اداری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه»، *تحول اداری*، دوره هفتم، شماره ۴۵.

قلی پور، رحمت الله؛ نیکرفتار، طیبه (۱۳۸۶)، «فساد اداری و راهکارهای مناسب برای مبارزه با آن»، *مجلس و پژوهش*، سال سیزدهم، شماره ۵۳.

محمودی، مهدی (۱۳۸۴)، «نقش فرهنگ سازمانی در پیشگیری از بروز فساد اداری»، *تدابیر*، شماره ۶۰.

Alatas, V. Cameron, L. (2009) "Gender, Culture, And Corruption: Insight From an Experimental Analysis", *Southern Economic Journal* , Vol. 75, No. 3, PP 663-680.

Amundsen, I. (1999) "Political Corruption: An Introduction to the Issues", *Working Paper* Vol. 99 No. 7, Chr. Michelsen Institute, Bergen. <http://www.cmi.no/publications/1999/wp/wp1999-7.pdf>. Accessed 25 Nov 2005.

Id. (2000) "*Research on Corruption; A Policy Oriented Survey*", Chr. Michelsen Institute (CMI) & Normalization Institute of International Affairs.

Andving, J.C. and Fjeldstad, O. (2001) "Corruption: A Review of Contemporary Research", *CMI Report R 2001: 7*, Chr. Michelsen Institute, Bergen, <http://cmi.no/publications/publication.cfm?Pubid=861>, Accessed 11 Nov 2005.

Ashforth, B.E. and Anand, V. (2003) "The Normalization of Corruption in Organizations", *Research in Organizational Behavior* No.25, PP. 1-25.

Brasz, H.A. (1970) "The Sociology of Corruption", in A. J. Heidenheimer (ed.), *Political Corruption: Readings in Comparative Analysis* (Holt, Rinehart and Winston, New York), PP. 41-45.

- Brown, S.F. (2005) "*Corruption and Causability: A Multi-Country Panel Data Model*", With Implications For International Corporate Policy, Touro University International. PP 9-27.
- Fokuoh, E. A. (2008) "The Fight Against Corruption And Its Implications For Development In Developing And Transition Economies", *Journal of Money Laundering Control*, Vol. 11, No. 1, PP 76-87.
- Heidenheimer, A.J. (2002) "Perspectives on the Perception of Corruption", in A.J. Heidenheimer and M. Johnston (eds.), *Political Corruption: Concepts and Contexts* (Transaction Publisher, New Brunswick, NJ), PP. 141–154.
- Huntington, S.P. (1989) "Modernization and Corruption", in A.J. Heidenheimer and M. Johnston (eds.), *Political Corruption: A Handbook* (Transaction Publishers, New Brunswick, NJ), PP.253–264.
- Independent Commission Against Corruption, (1998) "*A Major Investigation Into Corruption in the Former State Rail Authority of New South Wales*", Independent Commission Against Corruption, Sydney.
- Khan, M. (1996) "A Typology of Corrupt Transactions in Developing Countries", *IDS Bulletin* Vol. 27, No.2, PP. 12–21.
- Kimuyu, P. (2007) "Corruption, Firm Growth and Export Propensity In Kenya", *International Journal of Social Economics*, Emerald Group Publishing Limited, Vol. 34, No. 3, PP197-206.
- Kuhlmann, T. M. (2008) "Understanding Corruption in Organizations - Development And Empirical Assessment of an Action Model", *Journal of Business Ethics*, No. 82, PP 477-495.
- Mevliyar, Er. (2008) "Corruption from the Islamic Perspective: Some Recommendations For The MENA Region, International", *Journal of Islamic And Middle Eastern Finance And Management*, Vol. 1, No. 1, PP 31-51.
- Nye, J.S. (1967) "Corruption and Political Development: A Cost-Benefit Analysis", *American Political Science Review* Vol. 61, No.2, PP. 417–427.
- Park, H. (2003) "Determinants of Corruption: A Cross-National Analysis", *The Multinational Business Review* Vol. 11, No.2, PP. 29–48.
- Pitt, L.F. and Abratt, R. (1986), "Corruption in Business—Are Management Attitudes Right? ", *Journal of Business Ethics* Vol. 5, No.1, PP. 39–44.
- Robinson, M. (Ed.), (2004) "*Corruption and Development: An Introduction*", Routledge, London.

- Scanlan, G. (2008) "Offences Concerning Directors And Officers of Company: Froud And Corruption In The United Kingdom- The Present And The Future", *Journal of Financial Crime*, Vol. 15, No. 1, PP 22-37.
- Seldadyo, H. Haan, J. (2006) "The Determinants of Corruption: A Literature Survey And New Evidence", *Paper Prepared For The 2006 EPCS Conference*, Turku, Finland, 20-23, April.
- Seleim, A. (2009) "The Relationship Between Culture And Corruption: A Cross- National Study", Alexandria University, EGYPT, *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 10, No. 1, PP 165-184.
- Tanzi, V. (1995) "Corruption, Arm's-Length Relationships, and Markets", in G. Fiorentini and S. Peltzman (eds.), *The Economics of Organised Crime* (Cambridge University Press, Cambridge, MA), PP. 161-180.
- Transparency International, (2003) "*Global Corruption Report 2003*", available at: www.transparency.org.
- Treisman, D. (2000) "The Causes of Corruption: A Cross-National Study", *Journal of Public Economics* No.76, PP. 399-457.
- Tsegaye, S. (2003) "*Strategies For Effective Coalition Between Government Organs And Local Community Associations in the Fight Against Corruption*", A Draft Report Submitted to The Coordinators of the 2003 International Policy Research Workshop on Local Government Development Organisations, March.
- Van Duyne, P.C. (2001) "Will Caligula Go Transparent? Corruption in Acts and Attitudes", *Forum on Crime and Society* 1(2), PP. 73-95.
- Van Klaveren, V.J. (1989) "The Concept of Corruption", in Heidenheimer, A. J., Johnston, M. and LeVine, V.T. (Eds), *Political Corruption: A Handbook*, Transaction Publishers, New Brunswick, NJ, PP. 89-91.
- Williams, R. (ed.), (2000) "*Explaining Corruption, The Politics of Corruption*", (Edward Elgar Publishing Limited, Cheltenham).
- Yaser, M.M. (2005) "A Complex System Model For Understanding the Causes of Corruption: Case Study- Turkey", University of North Texas.

